

وضعیت تولید و انتشار کتاب‌های علوم اجتماعی در ایران

براساس الگوهای علم‌سنجی

غلامرضا ذاکر صالحی

چکیده: علوم اجتماعی در ایران با استناد به میزان کمی انتشارات به کم‌کاری و عدم هماهنگی با جریان پرشتاب تولید و انتشار علم متهم شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که این اتهام با توجه به داده‌های عینی و بی‌طرفانه تا چه حد متوجه علوم اجتماعی در ایران است؟ با توجه به ادبیات جامعه‌شناسی علم، انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه را غنی می‌کند و از سوی دیگر ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است، این فرآیند بخش مهمی از نظام پاداش‌دهی در اجتماع‌های علمی و اسباب تعامل علمی دانشمندان و معرفت‌هنجار اجتماع‌گرایی است.

از همه مهم‌تر میزان کمی و کیفی انتشارات علمی نشان‌دهنده رشد علم در هر زمینه و شاخه از علوم بشری است. به لحاظ این‌که علم یک اندام‌واره زنده است و «زندگی علم» شباهت‌های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه «زیست‌بوم‌شناختی علم» می‌تواند استعاره‌ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از این رویکرد و با استفاده از روش «علم‌سنجی» تلاش می‌کند تحولات تولید علم در قلمرو علوم اجتماعی را در دهه ۸۸-۱۳۷۸ بازنمایی کند.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، الگوی اصلی تولید علم در قلمرو علوم اجتماعی در کشور ما «تولید کتاب» بوده است. در این عرصه در دهه اخیر، ۸۰ درصد تولید علم به علوم انسانی و ۱۴/۹ درصد به علوم اجتماعی اختصاص داشته است. از نظر کمی، در میزان تولید علم، علوم اجتماعی در رتبه سوم پس از ادبیات و دین قرار دارد. این مسئله بیان‌گر «اصل تنوع» در زیست‌بوم علم است به این معنا که نحوه تولید و زیست‌بوم علوم اجتماعی براساس الگوی کتاب است نه مقاله ISI. هرچند در برخی رشته‌ها مانند شیمی این الگو متفاوت است. از سویی یافته‌ها نشان داد در دهه مورد مطالعه رشد کمی تولیدات علوم اجتماعی با رشد کمی سایر رشته‌ها همزاد و همراه است. این مسئله نیز پدیده «هم‌تطوری» را در زیست‌بوم علم بازنمایی می‌کند.

سایر یافته‌ها با توجه به مؤلفه‌هایی چون ترجمه‌ای یا تألیفی بودن، میزان تهرانی یا شهرستانی بودن علوم اجتماعی، زنانه یا مردانه بودن علوم اجتماعی، تولید چاپ اول و تجدید چاپ و سایر شاخص‌های کمی انتشار مانند تیراژ و صفحه و... وضعیت موجود و سیر تحول دهه اخیر را نشان می‌دهند. مفاهیم کلیدی: علوم اجتماعی ایران، علم‌سنجی، زیست‌بوم علم، تولید علم، تولید و نشر کتاب، ابعاد اجتماعی تولید دانش.

بیان مسئله

امروزه علوم اجتماعی در ایران در معرض اتهام کم‌کاری در تولید علم و عدم هماهنگی با نیازهای ملی قرار گرفته است. به گونه‌ای که در همایش سالانه انجمن جامعه‌شناسی ایران در اردیبهشت سال ۱۳۸۷ (همایش کنکاش‌های نظری و مفهومی درباره جامعه ایران) برخی از سخنرانان و صاحبان مقالات از این مسئله به «بحران در علوم اجتماعی ایران» یاد کردند. این نقدها که البته مبارک و میمون بوده و موجب خوداندیشی در بین کنش‌گران علوم اجتماعی می‌شود از زوایای مختلف طرح می‌شود: ناکارآمدی، ترجمه‌ای و اقتباسی بودن، مسئله محور نبودن، سهم اندک در تولید علم و...

در این میان، نگارنده معتقد است دو نکته را باید مدنظر قرار داد: نخست این‌که در فقدان هرگونه شاخص دقیق و داده عینی، داوری و قضاوت در این خصوص را می‌بایست به تعویق انداخت تا مطالعه جامعی پیرامون اثرات و پیامدهای علوم اجتماعی در ایران صورت پذیرد و دوم شایسته است که علوم اجتماعی با همگان خود یعنی سایر «گروه رشته‌های» موجود و فعال در ایران مقایسه شود تا امکان یک داوری منصفانه فراهم شود زیرا مقایسه علم در یک کشور در حال توسعه با مرزهای جهانی آن تنها یک جنبه از عقب‌ماندگی را بازنمایی می‌کند.

از نظر مشارکت در تولید علم جهانی، سهم علوم اجتماعی ایران اندک اما در حال رشد است. آمار مقالات علوم اجتماعی ایران در پایگاه WOS برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰، ۲۸۳۵ عنوان مقاله از کل مجموع ۷۳۰۲۶ ایرانی بوده است. همچنین در این مقطع ده‌ساله تعداد مقالات علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر در پایگاه Scopus، ۵۳۹۱ عنوان مقاله و در کل حوزه‌های موضوعی ۹۶۹۰۲ عنوان مقاله به ایران تعلق داشته است (Thomson, 2010).

در سال ۲۰۰۷ سهم مقالات ISI علوم اجتماعی ایران ۳۹۱ مقاله بوده است که نسبت به سال قبل از آن دو رتبه جهش داشته است و در سال ۲۰۰۸ سه رتبه بهبود یافته است. بر این مبنای همان‌گونه که در سایر رشته‌ها جهش در تعداد مقالات بین‌المللی مشاهده می‌شود در این حوزه نیز نسبت به شرایط گذشته این پیشرفت کاملاً مشهود است. البته در ارتباط با رشته شیمی این جهش در ده سال گذشته وضعیت متفاوتی را تجربه کرده است و به دلیل موقعیت عملی که برای این رشته فراهم شده است سهم این رشته از مقالات ISI ایران ۳۰٪ است^۱.

در ارتباط با مقالات علمی پژوهشی داخلی اوضاع به کلی متفاوت است به گونه‌ای که بنا به گزارش مسئول نمایه استنادی علوم ایران (ISCI) از مجموع ۶۳۵۰۰ مقاله نمایه شده پنجاه درصد آن در حوزه علوم انسانی است. این رکوردار بودن در انتشار مجلات علمی نیز صادق است. از مجموع ۳۹۹ نشریه علمی مصوب تعداد ۱۵۲ عنوان آن معادل ۳۸ درصد به علوم انسانی تعلق دارد. در حالی که در کشورهای پیشرفته نشریات علوم پزشکی در این زمینه رکورددار هستند، در ایران سهم نشریات علوم انسانی از سایر گروه رشته‌ها بیشتر است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تولید علوم اجتماعی در ایران با فرازوفرودهایی مواجه بوده و با چند سال تأخیر نسبت به سایر گروه رشته‌ها مرحله رشد کمی مقالات بین‌المللی خود را آغاز نموده است. از این حیث نوعی هم تطوری و انطباق با سایر شاخه‌های علمی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر گرایش علوم انسانی به سوی تولید مقالات و مجلات داخلی بوده و در این شاخص پیشتاز است. حال پرسش این است که در حوزه تولید کتاب نیز وضع به همین منوال است؟ در این حوزه علوم اجتماعی نسبت به هم‌تایان خود چه وضعی دارد؟

^۱. همان‌طور که می‌دانید کشور ایران کشور شیمی و مواد معدنی است. از این رو پس از آنالیز این مواد گزارش‌هایی تهیه می‌شود که به دلیل منحصر به فرد بودن این مواد، مجلات علمی از چاپ آن‌ها استقبال می‌کنند. از سویی نمایه ISI توسط شیمی دانان و برای معرفی مقالات این حوزه تأسیس شده است و مقالات این حوزه با سهولت بیشتری در این نمایه درج می‌شوند. علاوه بر این‌ها در کشور ما عده‌ای از استادان برجسته شیمی تصمیم گرفته‌اند که به جای کمک به تولید مواد پایه و یا ثبت اختراع، نتایج مقالات خود را در مجلات ISI منتشر نمایند و معمولاً به مقالات همدیگر ارجاع می‌دهند که همین موضوع موجب بالاترین سطح ارجاعات مقالات این گروه شده است.

فرضیه مقاله حاضر این است که نوعی هم تطوری^۲ در رشد کمی علم در ایران قابل مشاهده است و افت و خیزها و گسست‌ها و عدم تعادل‌هایی که در علوم انسانی قابل مشاهده است با ملاحظه شاخص‌های دیگر در سایر رشته‌ها هم وجود دارد. (رشته شیمی در این میان وضعیت استثنایی دارد و از یک موقعیت محلی^۳ بهره جسته است). از سویی الگوی رشد و توسعه علم در همه رشته‌ها یکسان نیست و از اصل تنوع^۴ پیروی می‌کند و نمی‌توان با یک شاخص واحد موقعیت علوم اجتماعی را در قیاس با دیگران ارزشیابی کرد.

کاوش در وضعیت تولید و انتشار کتاب در ایران در دهه گذشته، بسیاری از ابهامات را در این زمینه پاسخ می‌دهد. هدف مقاله حاضر این است که با تأکید بر مؤلفه انتشار کتاب و با بهره‌گیری از رویکرد علم‌سنجی امکانی فراهم شود تا با تمسک به شاخص‌های عینی موقعیت علوم اجتماعی در ایران را به داوری بنشینیم. مهم‌ترین سؤالات این مطالعه عبارت‌اند از:

—سیر تحول تولید علوم اجتماعی در دهه گذشته بر مبنای الگوی تولید کتاب چگونه است؟

—تولید و انتشار علوم اجتماعی در ایران عمدتاً ترجمه‌ای است یا تألیفی؟

—چه میزان تولیدات این حوزه جدید و چاپ اول است؟

—الگوی انتشار کتاب در حوزه علوم اجتماعی بیشتر آکادمیک است یا ریشه در بیرون از دانشگاه دارد؟

—علوم اجتماعی در ایران مردانه است یا زنانه؟

—علوم اجتماعی در ایران تهرانی است یا شهرستانی؟

—از نظر کمی تولید و انتشار علوم اجتماعی در ایران چه وضعیتی دارد؟

—در کلیه پارامترهای یادشده وضعیت علوم اجتماعی در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی چگونه است؟

آموزه‌های نظری

اهمیت و جایگاه انتشارات علمی در بالندگی علم و اجتماعات علمی به نحو روزافزونی رو به گسترش است. امروزه فشار برای نوآوری و تبدیل علم به رشد اجتماعی هم از سوی نهاد سیاست و هم نهاد اقتصاد بارزتر شده است. به اعتقاد برخی محققان حمایت مردمی و سیاسی از علم هم با این فشارها و نظارت‌ها مرتبط است (Carry, 1992). در ادبیات جامعه‌شناسی علم نیز شاید برای نخستین بار رابرت مرتون بر اهمیت هنجارهای علمی و الزامات نهادی انگشت نهاد. وی با برشمردن خصیصه اجتماع‌گرایی^۵ به‌عنوان یکی از هنجارهای چهارگانه دانشمندان، علم را ملک مشاع بشری دانست. به این معنا که بلوغ علم با خست و پنهان‌کاری در تضاد است و دانشمند باید سعی کند دانسته‌های خود را در اختیار جامعه و دیگر محققان قرار دهد.

میشل مولکی معتقد است که ساختار هنجاری، ویژگی اصلی اجتماع علمی است و از زمره آن‌ها خصیصه اجتماع‌گرایی است. به‌نظر وی اگر اختفا و سرقت فکری و روشنفکرانه تا حدی در علم وجود داشته باشد و هنجار اجتماع‌گرایی راهنمای مؤثر علم یا کنش اجتماعی نباشد، آن‌گاه این احتمال می‌رود که گسترش یکنواخت و بی‌طرفانه دانش معتبر دچار وقفه شود (مولکی، ۱۳۷۴: ۴۹). لازمه اجتماع‌گرایی انتشار است. امری که کارکرد آن به تعبیر مولکی گسترش یکنواخت و بی‌طرفانه دانش است.

از دیگر آموزه‌های جامعه‌شناسان علم در این زمینه، نظرات هگستروم^۶ است که در زمینه انگیزش‌های دانشمندان کارکرده است. او این نکته مرتون را پذیرفت که انگیزه بارز دانشمندان علوم میل به تأیید شدن از جانب هم‌تای‌شان است. او بیان داشت که برای رسیدن به این هدف، دانشمندان «پاداش‌ها» بی‌را به اجتماع علمی به شکل اطلاعات قابل انتشار عرضه می‌کنند. با این نوع «اعطای پاداش» مقام درجه اول حاصل می‌شود (گلوور، استرابریج و توکل، ۱۳۸۳: ۸۰).

رنالد کالینز به گونه‌ای دیگر اهمیت انتشارات در اجتماع علمی را بازنمایی می‌کند. وی معتقد است که دنیای تفکر شامل

^۲ oC .

^۳ .

^۴ .

^۵ .

^۶ .O.W .

زنجیره‌ای از شعائر تعامل^۷ است که در دوره‌های زمانی متناوب و در چشم‌انداز و جریان اشپای مقدس - ایده‌ها و متونی که محصول همین شعائر هستند - صورت می‌گیرند. استدلال و سخنرانی کردن و نوشتن و خواندن بخشی از شعائر تعامل است. در جهان مدرن، متفکران خلاقیت خود را روی کاغذ می‌آزمایند. اگرچه گاهی آن را شفاهی ارائه می‌دهند. منتشر کردن، متفکران را از تنهایی خارج می‌کند و به عرصه عمومی می‌کشد. متفکران واقعاً زمانی وارد واقعیت علم شده‌اند که در نظام ارجاع‌دهی مجلات و کتب جایی برای خود بیابند. نوشتن افراد را قادر می‌سازد تا از حال بی‌واسطه فراتر روند. نوشتن دروازه‌ای به سوی انتزاع و تعمیم یافتن است و به افراد انرژی عاطفی^۸ می‌دهد (شارع‌پور و فاضلی ۱۳۸۶: ۴۰).

جایگاه نشر را همچنین با استفاده از مفاهیمی که بورديو به کار می‌برد می‌توان توضیح داد. زیرا انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، نمادین، اقتصادی) را غنی می‌کند و از سوی دیگر ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است. (نگاه کنید به (Bourdieu, 1991: p. 31-36).

از نظر وایتلی^۹ نیز دو مفهوم کلیدی ساختار اجتماع علمی را شکل می‌دهد. نخست مفهوم حوزه فکری است که به نظر وی یک واحد وسیع تولید و هماهنگ‌سازی دانش است. (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۶-۲۷) در این بخش انتشارات به‌عنوان سبکی از تولید علم در ساختمان اصلی آن نقش‌آفرینی می‌کند. دوم این نکته است که بنیاد نظم در اجتماع علمی شهرت است. از همین رو وی علم را «نظام مبتنی بر شهرت»^{۱۰} می‌خواند. (همان مأخذ) نقش مهم انتشارات در تولید شهرت انکارناپذیر است.

در سطح عملی نیز انتشار کتاب و مقاله یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سنجش عملکرد پژوهش‌گران است. دو پژوهش‌گر در سال ۱۹۹۱ توانستند با تعریف شاخصی مرکب از: کمیت بازده مکتوب، کیفیت بازده مکتوب و خلاقیت عملکرد، مدلی را برای سنجش عملکرد پژوهش‌گران تدوین و ارائه کنند. گرسبرگ می‌گوید چون محصول یک آزمایشگاه پژوهشی ایده است و مهم‌ترین راه مبادله و انتقال ایده نیز از طریق گفتار و نوشتار است، طبیعی است که انتظار داشته باشیم ضریب همبستگی بین ارزش یک محقق برای یک سازمان و فراوانی مبادله و انتقال ایده‌هایش بالا باشد. یکی از کامل‌ترین مطالعات انجام شده در مورد سنجه بازده مکتوب توسط شاو^{۱۱} صورت گرفته است. وی ارزش کارهای چاپ شده را بین تعداد نویسندگان تقسیم کرد تا ارزش نویسنده را به‌دست آورد و به یک امتیاز کیفی برای هر مقاله یا کتاب برسد. شاو دریافت که امتیاز آثار مکتوب مساوی ارزش و اعتبار نویسنده برای هر مقاله با کیفیت x است. کل امتیاز کتاب‌ها و مقالات برای هر محقق به تعداد سال‌ها تقسیم می‌شد تا ارزش هر سال به‌دست آید. کارتر (Cartter, A.M.) یک کتاب نظری یا پژوهشی را معادل ۶ مقاله، کتاب مرجع را معادل ۳ مقاله و یک مجموعه تألیفی را معادل ۲ مقاله به حساب می‌آورد (همان مأخذ).

از نظر تعریف عملیاتی سازوکار انتشار به مفهوم در دسترس همگانی قرار دادن اطلاعات و ایده‌ها بوده و هم‌اکنون به دو صورت عرضه در محیط‌های مجازی و چاپ به صورت کتبی همراه با درج در نمایه‌های معتبر و در مورد کتاب برخورداری از کد بین‌المللی (ISBN) مطرح است.

به لحاظ این‌که علم یک اندامواره زنده است و «زندگی علم» شباهت‌های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه «زیست‌بوم شناختی علم» نیز می‌تواند استعاره‌ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد. نظریه اجتماعی سبز در دوره جدید خود تلاش کرده است تا از گرایش‌های جبرگرایانه (دترمینیسم موجود در محیط زیست‌گرایی) تا حدودی دوری کند و برای اراده انسانی و دخالت او در زیست‌بوم اعتبار قائل شود. بنابراین به تعبیر جان‌بری نظریه‌های اجتماعی جدید سبز معمولاً روایت مثبتی از فطرت انسان دارند و بر اهمیت پرورش و محیط زیست اجتماعی در توضیح رفتار آدمیان تأکید می‌کنند (جان‌بری ۱۳۸۲: ۲۷۳). عباس حرّی (۱۳۸۳) توانسته است از رویکرد بوم‌شناختی در زمینه اطلاع‌رسانی و تبیین پدیده اکولوژی اطلاعاتی

⁷ lautir noitcaretnl .

⁸ lanoitomE .

⁹ .

¹⁰ lanoitatupeR .

¹¹ .B .wahS .

سود جوید. به نظر نگارنده زیست‌بوم علم، سیستمی از مردم، فعالیت‌ها، ارزش، دانش و فن‌آوری‌ها در محیط محلی خاص است. در رویکرد زیست‌بومی به زندگی علم و نحوه رشد آن از مفاهیم زیر می‌توان کمک گرفت:

۱. روابط درون سیستمی: زیست‌بوم علم مجموعه‌ای از اجزا و روابط متقابل بسیار قوی و استوار میان آن‌ها و نیز وابستگی اجزا به یکدیگر است به گونه‌ای که هرگاه جزئی از این سیستم تغییر کند. کلیت سیستم را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. از این حیث رویکرد زیست بوم‌شناختی به رویکرد کارکردی سیستمی بسیار نزدیک می‌شود. زیست‌بوم علم در قالب شبکه‌ای از زیست‌بوم‌هاست که در آغاز حالت محلی^{۱۲} داشته و با یکدیگر دادوستد دارند. شرط قرار گرفتن در شبکه کلان آن است که به درک زیست‌بوم محلی و بومی خود نائل آمده باشیم تا بتوانیم گروهی پویا از آن شبکه باشیم. شبکه زیست‌بوم علم متشکل از اکوسیستم‌های وابسته به یکدیگر است که به‌مثابه گره^{۱۳} های ارتباطی عمل می‌کنند. این اجزا به یکدیگر وابستگی شدید دارند.

۲. (هم‌سطوری: بوم فکری با بوم اجتماعی، بوم فرهنگی، بوم معیشتی، در هم تنیده است. منظور از هم‌سطوری، هم‌تحوالی کلیه عناصر و شئون فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنی است. بین پویایی و پایداری در زیست‌بوم علم تقابل مستمر است و ریشه تحول علم را در همین تقابل‌ها می‌توان جست‌وجو کرد. نوآوری‌های جدید در تطوّر روش‌ها، فن‌آوری‌ها، فعالیت‌ها و ابزارها نقش‌آفرینی می‌کند. چنین تحوّل هم‌پا و هم‌سویی زمانی رخ می‌دهد که تمام اجزا به‌مثابه عناصر متشکله زیست‌بوم در آن سهیم باشند. البته هم‌چنان‌که تکامل و تطور دیده می‌شود، ثبات همگونی و یکپارچگی نیز در زیست‌بوم‌ها دیده می‌شود. اگر پیوستگی متقابل و تطور هم‌سو و هم‌پا را از طریق جریان هم‌کنش درک نکنیم، رشد حاشیه‌ای در یک زمینه علمی خاص جز ایجاد «اکوسیستم گلخانه‌ای» نخواهد بود. اکوسیستم گلخانه‌ای اکوسیستمی است که جدای از محیط واقعی اکولوژیکی به حیات خود ادامه می‌دهد، اما هیچ‌گاه با اکوسیستم اصلی پیوند نمی‌یابد و هرگاه مرزهای گلخانه‌ای را از میان برداریم و عناصر گلخانه‌ای را با محیط واقعی روبه‌رو کنیم مورد پذیرش اکولوژی قرار نخواهند گرفت و بی‌آن‌که تأثیری بر نظام اکولوژیکی بگذارند از میان خواهند رفت (حرّی، عباس، ۱۳۸۳: ۱۱).

۳. تنوع: زیست‌بوم علم دارای خصیصه تنوع است و گونه‌های متفاوتی با الگوهای زیست متفاوت را در خود جای می‌دهد. تنوع اندیشه‌ها، روش‌ها، سازمان‌ها و بازیگران و حتی تنوع الگوی رشد و توسعه در هر شاخه علمی امری پذیرفتنی است. همان‌گونه که در زیست‌بوم طبیعی ده نوع پرنده، ده نوع الگوی تغذیه، پرواز و تولید مثل و آشیان‌سازی دارند.

۴. گونه‌های کلیدی^{۱۴}: گونه کلیدی در بقا و غنای زیست‌بوم سهم عمده‌ای دارد. ممکن است این نقش از طریق میانجی‌گری یا تسهیل‌کنندگی برای ایفای کارکرد سایر گونه‌ها باشد. با این وصف از آن‌جا که علوم اجتماعی و انسانی بین زیست‌بوم علم و محیط بیرون و انسان‌ها و فناوری‌ها، میانجی‌گری و تسهیل‌گری و ظرفیت‌سازی می‌کند می‌تواند گونه‌ای کلیدی فرض شود.

۵. تعلق به محل: ابزار یا فن‌آوری واحدی ممکن است در اکوسیستم‌های گوناگون کاربردهای مختلفی را سبب شود و به همین اعتبار آن را با همان نام یا کاربرد بشناسند. گاهی برای یک اکوسیستم یک فرصت محلی رخ می‌دهد تا تغییراتی در آن رخ دهد. هر نوآوری نیز در هر سیستم فرعی امکان سازگاری پیدا نمی‌کند. دیگر مفاهیم رویکرد زیست بوم‌شناختی عبارت‌اند از رقابت گونه‌ها با یکدیگر و میل به انطباق و تعادل و ویژگی محلی و شبکه‌ای داشتن.

12

13

14 enotS-yeK .

شکل شماره ۱. ارکان و اجزای رویکرد بوم‌شناختی به علم

در شکل (۱) ارکان و اجزای هشت‌گانه رویکرد بوم‌شناختی به علم درج شده است. این شکل ساختار کلان مفهومی رویکرد زیست‌بومی را بازنمایی می‌کند. نقطه مرکزی و محوری این چارچوب مفهومی که در بیشتر اجزا مشاهده می‌شود، برخورداری زیست‌بوم از خصیصه تعامل بالا و ارتباط است. ویژگی اصلی که پایداری و پویایی سیستم را تضمین می‌کند.

روشن‌شناسی

این مطالعه رویکردی زیست بوم‌شناختی به علم دارد. روش مطالعه نیز روش علم‌سنجی است. علم‌سنجی یا نقشه علمی باز نمودن دو بعدی یا سه بعدی حوزه خاصی از علم براساس انتشارات علمی است. علاوه بر آن در رویکرد علم‌سنجی تجزیه و تحلیل نقشه دانش یک حوزه، علاوه بر تکنیک‌های ترسیم اطلاعات می‌تواند شامل موضوع‌های گوناگون مثل تجزیه و تحلیل شبکه، زبان‌شناسی، استخراج مفاهیم و موضوعات، تحلیل استنادی و شاخص‌های علم و فن‌آوری آن حوزه باشد. (محمدی، ۱۳۸۷، به نقل از بویاک، ۲۰۰۴).

جان برنال^{۱۵} یکی از مشهورترین فیزیک‌دانان جهان، تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس علم در سال ۱۹۳۹ یکی از اولین نقشه‌های علم جهان را ترسیم کرد. پس از او دویله در سال ۱۹۶۱ با تأکید بر نقش رایانه در ترسیم نقشه‌های علمی، چگونگی ساخت و ترسیم این نوع نقشه‌ها را برای ایجاد تصویر بزرگی از حوزه‌های جامع علمی پیشنهاد داد. نويز در تعريف نقشه‌های علمی اعتقاد دارد که نقشه کتاب‌سنجی (علمی) نمایی است از حوزه‌های علمی که با تجزیه و تحلیل کمی اطلاعات کتاب‌شناختی تهیه می‌شود (محمدی، ۱۳۸۷).

شاید بتوان نخستین آثار در این زمینه را به سولاپرایس^{۱۶} در دهه شصت میلادی متعلق دانست که با ابداع اصطلاح علم‌علم^{۱۷} تلاش کرد با تحلیل آمار انتشارات علمی، قوانین توسعه علمی را کشف کند. از آن‌جا که تحقیقات علمی پرهزینه است تصمیم‌گیران برای ارزیابی تحقیقات از علم‌سنجی استفاده می‌کنند. بدین ترتیب که نتایج حاصل از تحقیقات بر روی اقتصاد جامعه را با هزینه‌های لازم مورد سنجش قرار می‌دهند و به شناسایی بخش‌هایی می‌پردازند که فواید بیشتری داشته و یا این‌که استحقاق آن را دارند که بیشتر از آن‌ها پشتیبانی به عمل آید. دیگر آن‌که علم‌سنجی نقش پویاسازی تکنولوژی را بازی می‌نماید. یعنی این‌که مشخص می‌کند که کدام‌یک از بخش‌های علمی و تکنیکی از توسعه زیادی برخوردار بوده و یا این‌که چه بخش‌هایی اولویت دارند. هدف این است که برداشتی از کل داشته باشیم بدون این‌که بخواهیم فعالیت علمی هزینه‌بر و طولانی مدتی انجام دهیم (خسرو خاور، ۱۳۸۸).

در مطالعه حاضر داده‌های آماری دوره ده‌ساله ۱۳۷۸-۱۳۸۸ متکی به اسناد آماری موجود در خانه کتاب ایران مورد استفاده قرار گرفت. در کنار آن از آمارهای تکمیلی مانند آمار مقالات ISI و ISC و تعداد عناوین نشریات نیز بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

۱. موقعیت کلی تولید کتاب در حوزه علوم اجتماعی

در سال ۱۳۸۸، تعداد ۹۰۴۱ عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی تولید و منتشر شده است که معادل ۱۴/۹ درصد کل تولیدات می‌باشد. از نظر کمی میزان تولید علم در این حوزه در رتبه سوم یعنی پس از ادبیات و دین قرار دارد. ضمن آن‌که حوزه‌های

¹⁵ nhoj .

¹⁶ .

¹⁷ fo ecneics .

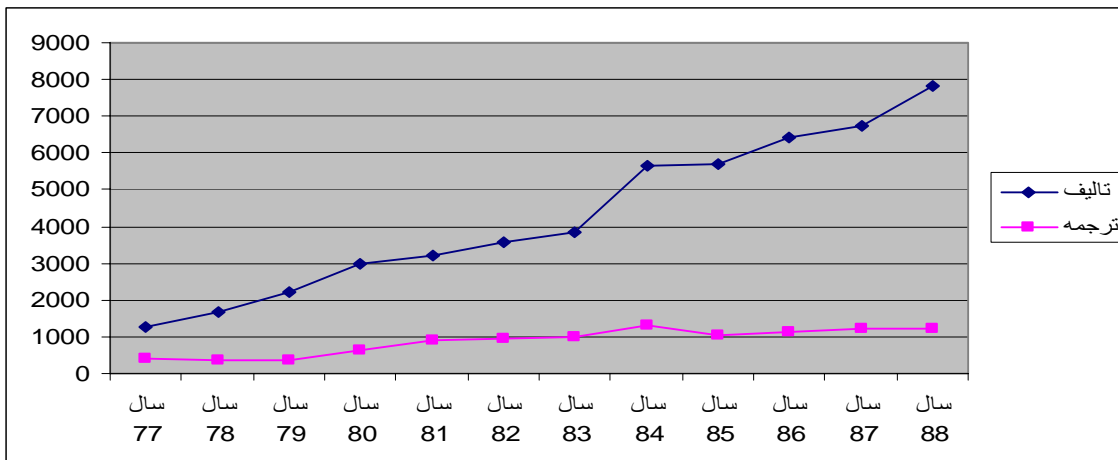
ادبیات و دین از نظر تنوع موضوعی بسیار گسترده‌تر از علوم اجتماعی هستند و فراگیری مخاطب آن‌ها هم عمومی‌تر است. جدول شماره ۱. تعداد کتب ترجمه و تألیف شده طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸

مقایسه تألیف در یک دهه در صدر شد
موضوع جمع ۱۳۷۸ ترجمه ۱۳۷۸ تألیف ۱۳۷۸ جمع ۱۳۸۸ ترجمه ۱۳۸۸ تألیف ۱۳۸۸
درصد تألیف در صد تألیف یک دهه
از کل ۱۷۸ از کل ۸۸

کلیات	۱۹۸ / ۷۶۸ / ۶۳۱ / ۱۵۱۴۷	۴۷۶ / ۱,۹۹۰ / ۴۲۴ / ۲۴۲ / ۶۶۶
فلسفه	۲۸۳ / ۵۲۲۹ / ۵۱۵ / ۱۴۵۸۱	۱۳۱۷۲ / ۷۷۵ / ۳۷۰ / ۳۵۴ / ۷۲۴
دین	۱۰۸ / ۸۵۵۹ / ۸۴۷ / ۸۷۰۲۱	۱۴۴۸ / ۱۰ / ۱۵۰ / ۴۰۹۲ / ۷۷۴ / ۴۸۶۶
علوم اجتماعی	۳۴۷ / ۸۶۱۳ / ۸۲۵ / ۷۸۱۷۴	۱۲۲۴ / ۹,۰۴۱ / ۱۶۶۶ / ۲۵۶ / ۲۰۲۲
زبان	۱۰۹ / ۹۴۱۸ / ۹۵۳ / ۳۹۰۹	۲۲۱ / ۳,۸۳۰ / ۱۷۴۰ / ۹۱ / ۱۸۳۱
علوم طبیعی	۱۶۶ / ۸۷۶۱ / ۸۳۲ / ۵۶۰۸۵	۸۲۰ / ۶,۴۲۸ / ۲۰۱۳ / ۳۹۸ / ۲۴۱۱
علوم عملی	۲۴۳ / ۷۳۹۱ / ۶۲۲ / ۶۵۴۵۵	۲۴۰ / ۸,۹۴۵ / ۱۶۲۶ / ۹۷۵ / ۲۶۰۱
هنر	۱۵۰ / ۶۹۸۷ / ۶۸۵ / ۱۶۰۷۹	۷۰۶ / ۲,۳۱۳ / ۶۳۵ / ۲۸۷ / ۹۲۲
ادبیات	۱۷۷ / ۷۸۵۷ / ۸۰۸ / ۹۴۲۶۶	۲۵۴۳ / ۱۱ / ۹۶۹ / ۳۴۷۴ / ۸۳۸ / ۴۳۱۲
تاریخ و جغرافیا	۱۸۴ / ۸۶۰۳ / ۸۶۴ / ۲۶۹۱۲	۴۲۲ / ۳,۱۱۳ / ۹۴۵ / ۱۵۱ / ۱۰۹۶
جمع	۱۸۲ / ۸۰۲۹ / ۷۹۹ / ۴۸۹۷۷۲	۱۱۵۷۷ / ۶۰,۵۵۴ / ۱۶۹۸۵ / ۴۴۶۶ / ۲۱۴۵۱

مطابق داده‌های جدول (۱) چنانچه ۵۰٪ کتب رده موضوعی کلیات (دائرة المعارف‌ها، علوم کتابداری و...) را زیرمجموعه علوم انسانی بدانیم و ۵۰٪ تولیدات علوم عملی را نیز مربوط به رشته‌های مختلف مدیریت و اقتصاد تخمین بزنیم، جمع تولیدات علوم انسانی و هنر به حدود ۸۰٪ کل تولیدات کتاب می‌رسد که آماری بسیار بالاست. این یافته نشان می‌دهد در قلمرو علوم انسانی الگوی اصلی تولید علم، تولید کتاب است و از نظر این شاخص در مقایسه با سایر رشته‌های علمی وضعیت مطلوبی داریم. نرخ رشد کتب علوم اجتماعی در دهه اخیر ۳۴۷ درصد و بالاترین نرخ رشد در بین همه شاخه‌های علمی بوده است. فلسفه و علوم عملی در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. این مسئله بیان‌گر اصل تنوع در زیست‌بوم علم است به این معنا که نحوه تولید و زیست علوم انسانی براساس الگوی کتاب است نه مقاله ISI. هرچند در برخی رشته‌ها مانند شیمی این الگو متفاوت است. به‌هرحال اصل تنوع در این زمینه کاملاً مشهود است. از طرفی رشد کمی کتب علوم اجتماعی در این جدول با رشد کمی سایر رشته‌ها همزاد و همراه است. (رشد یک تا سه و نیم برابر) این مسئله نیز پدیده «هم‌تظوری» را در زیست‌بوم علم بازنمایی می‌کند.

جدول (۱) همچنین نشان می‌دهد تعداد کتب تألیفی در سال ۸۸ نسبت به سال ۷۸، به میزان ۴/۱ درصد رشد داشته است. در نمودار (۱) می‌توان وضعیت رشد تدریجی تألیف و ترجمه کتاب‌های علوم اجتماعی را در طول یک دهه مشاهده نمود. منحنی رشد کتب تألیفی علوم اجتماعی در مقایسه با ترجمه وضعیت بهتری دارد. از نظر تألیفی بودن الگوی تولید، علوم اجتماعی پس از زبان و علوم طبیعی در رتبه سوم قرار دارد. افت میزان تولید کتب علوم اجتماعی در سال ۱۳۸۴ احتمالاً ممکن است به دلیل تغییر دولت و در نتیجه تغییر سیاست‌های اداره کتاب وزارت ارشاد اسلامی باشد.



نمودار شماره ۱. مقایسه وضعیت کتب تألیفی و ترجمه علوم اجتماعی ۷۸ تا ۸۸

۲. میزان تهرانی -شهرستانی بودن علوم اجتماعی

علوم اجتماعی از نظر تهرانی بودن (مرکزگرایی) و عدم توزیع عادلانه تولید کتاب در سطح کشور در سال ۷۸ در رتبه چهارم قرار داشته، اما در سال ۸۸ نسبت به سال ۷۸ به میزان نزدیک به یک درصد مرکزگرایی آن کمتر شده است. این میزان اندک بهبود مرکزگرایی کم و بیش در همه رشته‌ها مشاهده می‌شود که بیانگر هم‌تطوری فرآیند تولید علم در کشور است. هم‌اکنون تنها حدود ۸ درصد کتب علوم اجتماعی در شهرستان‌ها منتشر می‌شوند. هرچند نویسندگان شهرستانی نیز غالباً آثار خود را در تهران منتشر می‌کنند اما ضعف بنگاه‌های تولید و نشر کتاب در شهرستان‌ها می‌تواند یکی از علل آن باشد که شایسته توجه است.

جدول شماره ۲. کتب منتشر شده برحسب تهران و شهرستان -مقایسه سال ۷۸ و ۸۸

درصد تهراندردرصد تهران
موضوعات شهرستانی انتشارات
به کل ۷۸ به کل ۸۸

کلیات ۱،۹۹۰، ۷۵۰، ۱، ۲۴۰، ۱، ۲۴۰، ۱، ۹۲۹ / ۵/۸۷۳

فلسفه ۲،۳۹۹، ۲، ۳۹۹، ۲، ۳۹۹، ۲، ۳۹۹ / ۱/۸۶۸

دین ۱۰،۱۵۰، ۱۰، ۲۳۶، ۱۰، ۲۳۶، ۱۰، ۲۳۶ / ۲/۵۴

علوم اجتماعی ۹،۲۴۸، ۹، ۲۴۸، ۹، ۲۴۸، ۹، ۲۴۸ / ۰/۹۱۷

زبان ۳،۳۴۴، ۳، ۴۸۸، ۳، ۴۸۸، ۳، ۴۸۸ / ۱/۸۷۵

علوم طبیعی ۵،۹۱۲، ۵، ۱۶۲، ۵، ۱۶۲، ۵، ۱۶۲ / ۱/۹۲۲

علوم عملی ۸،۹۴۵، ۸، ۵۲۸، ۸، ۵۲۸، ۸، ۵۲۸ / ۰/۸۴۸

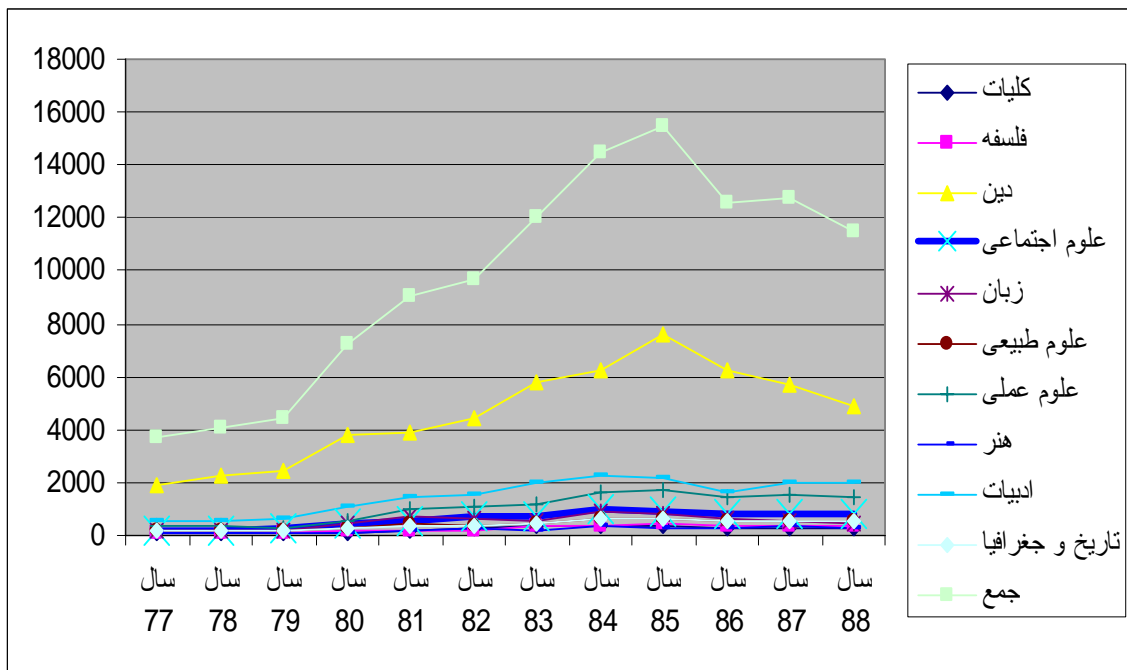
هنر ۲،۰۸۲، ۲، ۳۱۳، ۲، ۳۱۳، ۲، ۳۱۳ / ۳/۹۰۶

ادبیات ۱۱،۹۶۹، ۱۱، ۹۹۶، ۱۱، ۹۹۶، ۱۱، ۹۹۶ / ۴/۸۳۲

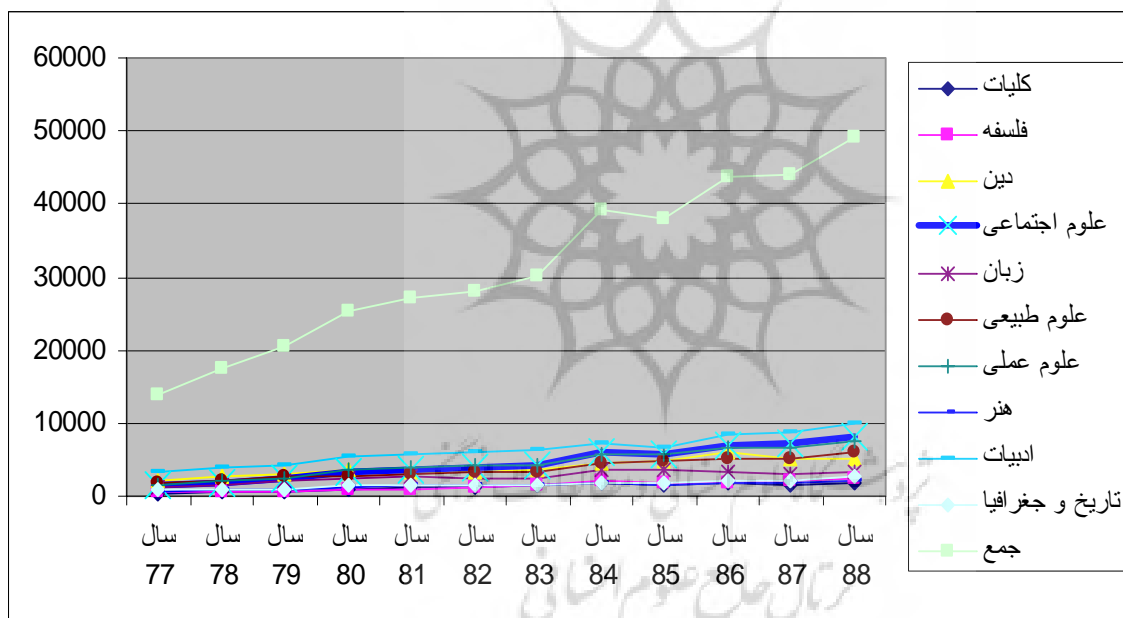
تاریخ و جغرافیا ۳،۵۷۵، ۳، ۵۷۵، ۳، ۵۷۵، ۳، ۵۷۵ / ۰/۸۲۴

جمع ۶۰،۷۰، ۶۰، ۷۰، ۶۰، ۷۰، ۶۰، ۷۰ / ۸۱

نمودار ۲ و ۳ سیر تحول کتب منتشر شده در شهرستان‌ها و تهران را طی سال‌های ۷۸ تا ۸۸ نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲. کتب منتشر شده در شهرستان در سال‌های ۷۸ تا ۸۸



نمودار شماره ۳. کتب منتشر شده در تهران در سال‌های ۷۸ تا ۸۸

۳. تولید چاپ اول و تجدید چاپ

تولید کتاب چاپ اول نشانه فعال بودن نویسندگان و تجدید چاپ آن نشانه فعال بودن خوانندگان و بنگاه‌های نشر و جذاب بودن تولیدات است. بنابراین هر دو مؤلفه مثبت تلقی می‌شوند. همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود میزان تولید کتاب چاپ اول علوم اجتماعی در دهه ۷۸- به میزان ۲۷ درصد رشد منفی داشته است. در عوض تجدید چاپ کتاب‌های قدیمی رونق گرفته است. افت این شاخص در علوم اجتماعی از سایر شاخه‌ها بیشتر بوده است. موشکافی این مسئله نیازمند مطالعه است. آیا این مشکل مربوط به کاهش حمایت دولت بوده است یا کم‌کاری نویسندگان یا مشکلات ناشرین یا مشکل توزیع و فروش یا...؟
جدول شماره ۳. کتب منتشر شده برحسب چاپ اول و تجدید چاپ و مقایسه سال ۷۸ و ۸۸

درصد چاپ‌پذیر شده چاپ
موضوعی و حجم چاپ اول و تجدید چاپ
اول از کل ۱۷۸ / اول از کل ۸۸

کلیات ۱,۹۹۰,۹۲۴ ۰,۰۶۶ / ۱۵ / ۵۰۴ / ۴۶۱-۴

فلسفه ۲,۲۱۹ ۲,۷۷۵ ۱,۵۵۶ / ۱۳ / ۵۲۹ / ۴۳۴-۸

دین ۱۰,۱۵۰,۸۴۷ ۳,۳۰۳ ۳,۵۱۸ / ۵۶ / ۴۷۸-۳

علوم اجتماعی ۳,۵۹۷ ۳,۰۴۱ ۳,۴۴۳ / ۵۴ / ۵۴۸ / ۳۹۶-۱۴

زبان ۳,۸۳۰,۵۵۵ ۱,۲۷۵ ۲,۴۷۶ / ۴۰۴ / ۴۶۲-۶

علوم طبیعی ۱,۴۲۸,۲۲۱ ۲,۲۰۷ ۴,۴۵۶ / ۳۴۴ / ۱۰-۱

علوم عملی ۲,۹۴۵,۱۹۲ ۵,۷۵۳ ۳,۷۵۳ / ۳۳ / ۵۸۳-۴

هنر ۲,۳۱۳,۲۳۱ ۱,۰۸۲ ۱,۵۱۲ / ۱۷ / ۵۳۵-۱

ادبیات ۱۱,۹۶۹,۲۷۶ ۳,۶۹۳ ۶,۶۹۳ / ۵۶ / ۶۲۴ / ۵۲۲-۱۰

تاریخ و جغرافیا ۳,۱۱۳,۶۶۰ ۳,۴۵۳ ۱,۶۰۳ / ۱۹ / ۵۳۶ / ۷-۷

جمع ۵,۵۵۴,۷۲۲ ۲۸,۸۲۲ ۳۱۷,۵۴۴ / ۴۷۳-۷

۴. شاخص‌های کمی انتشار (تیراژ-صفحه)

جدول شماره ۴ وضعیت تیراژ متوسط کتاب را در دو مقطع ۷۸ و ۸۸ با هم مقایسه می‌کند. به جز حوزه دین که به دلیل حمایت‌های دولتی در این شاخص افت زیادی را تجربه نکرده است در بقیه حوزه‌ها این افت چشم‌گیر قابل مشاهده است. در حوزه علوم اجتماعی ۳۹ درصد افت تیراژ متوسط کتاب تأسف‌برانگیز است. هرچند از نظر عنوان کتب منتشره رشدی حدود چهار برابر تجربه شده است. این مشکل را باید در ضعف فرهنگ کتاب‌خوانی و ضعف حمایت‌های دولت از این گونه فعالیت‌ها یا رقابتی نبودن این عرصه جست‌وجو کرد.

جدول شماره ۴. کتب منتشر شده برحسب تیراژ متوسط مقایسه سال ۷۸ و ۸۸

تیراژ متوسط تیراژ متوسط
موضوعی و عنوان ۷۸ / عنوان ۸۸
درصد ۸۸ / درصد ۷۸

کلیات ۱,۹۹۰,۶۶۶ ۳,۸۲۷ ۳,۳۴۵ / ۳۳۹-۲

فلسفه ۲,۷۷۵,۷۲۴ ۲,۷۹۴ ۳,۵۲۴ / ۲۳۳-۲

دین ۱۰,۱۵۰,۸۶۶ ۱۰,۴۱۳ ۵,۳۵۷ / ۵۱-۲

علوم اجتماعی ۳,۵۹۷,۰۲۲ ۳,۰۴۱ ۳,۱۶۳ ۹,۱۷۵ / ۳۳۹-۲

زبان ۳,۸۳۱,۵۳۰ ۳,۲۰۵ ۳,۷۶۷ / ۳۳۹-۲

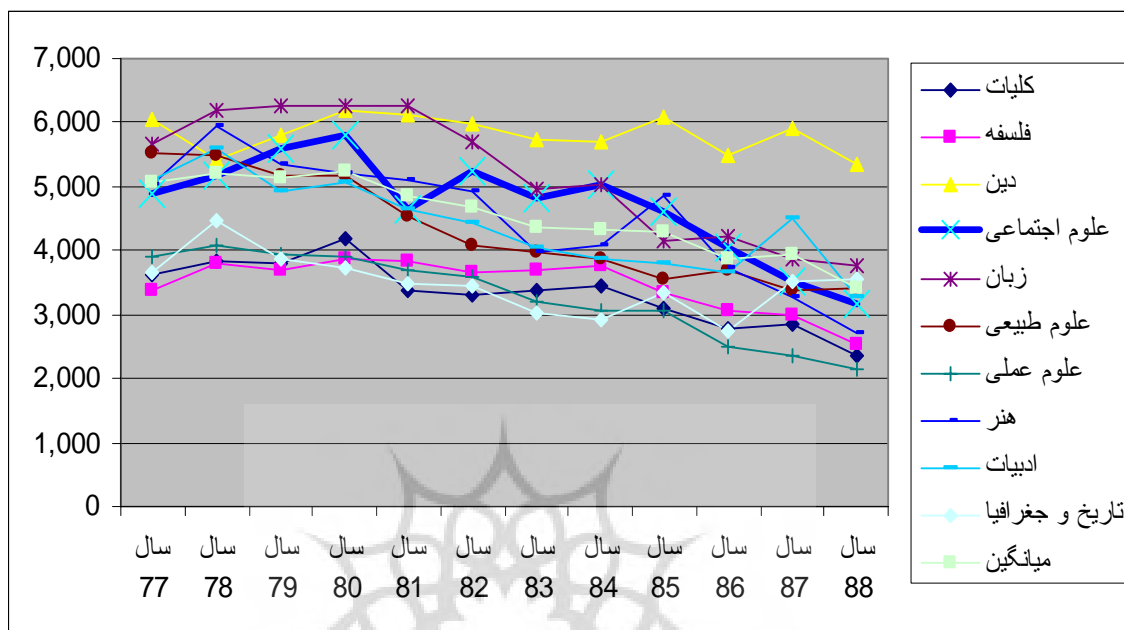
علوم طبیعی ۲,۴۲۸,۴۱۱ ۲,۴۷۶ ۴,۴۷۶ / ۳۳۸-۲

علوم عملی ۲,۹۴۵,۲۰۱ ۲,۹۴۵ ۴,۰۷۲ ۴,۱۵۸ / ۲۴۷-۲

هنر ۲,۳۱۳,۲۳۱ ۲,۹۴۰ ۲,۷۰۸ / ۲۵۴-۲

ادبیات ۳۱۲، ۹۶۹۴، ۱۱، ۵۹۳، ۲۷۲۵، ۳۴۱-
 تاریخ و جغرافیا ۱، ۱۱۳۱، ۴۶۸۳، ۵۶۴۴، ۳۲۰-
 میانگین ۴۵۱، ۵۵۴۲۱، ۲۰۸۶۰، ۴۱۷۵، ۳۳۴-

در نمودار زیر سیر نزولی متوسط تیراژ به عنوان یک شاخص مهم بین‌المللی در حوزه نشر مشاهده می‌شود.



نمودار شماره ۴. سیر افت متوسط تیراژ در دهه ۷۸-۸۸

در جدول و نمودار شماره ۵ وضعیت تولید و نشر کتاب براساس متوسط صفحه مشاهده می‌شود. افت این شاخص در دهه ۷۸-۸۸ برای رشته‌های علوم اجتماعی ۲۰ درصد بوده است که بالاترین نرخ رشد منفی در این جدول است. حوزه هنر و علوم طبیعی رشد مثبت داشته‌اند. بنابراین رشد منفی سایر رشته‌ها جای بررسی بیشتر دارد. علاوه بر رکود کلی حاکم بر بازار کتاب و گرانی کاغذ، حوزه هنر احتمالاً از کمک‌های ویژه‌ای مانند حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از انتشار برخی آثار هنری بهره‌مند شده است.

جدول شماره ۵. کتب منتشر شده برحسب متوسط صفحه و مقایسه سال ۷۸ و ۸۸

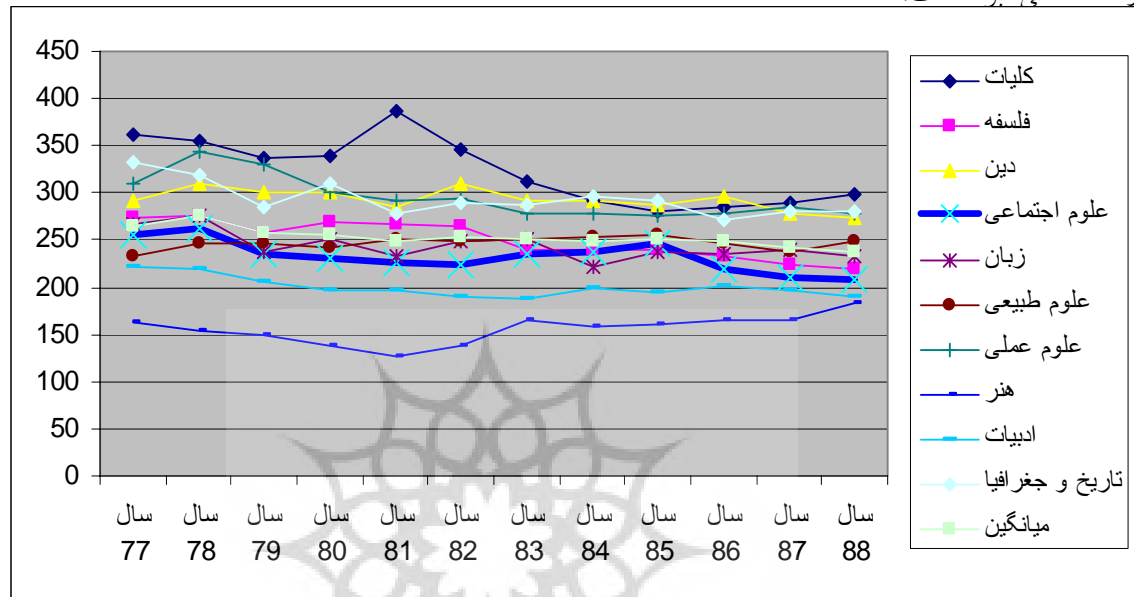
پرتال جامع علوم انسانی

متوسط صفحه متوسط صفحه
 موضوع عنوان ۷۸ عنوان ۸۸ نرخ رشد
 ۸۸ ۷۸

کلیات ۳۵۵۱، ۹۹۰۶۶۶ -۲۹۹۱۶
 فلسفه ۲۷۵۲، ۷۷۵۷۲۴ -۲۱۹۲۰
 دین ۳۱۱۱۰، ۱۵۰۴، ۸۶۶ -۲۷۳۱۲
 علوم اجتماعی ۲۶۱۹، ۰۴۱۲، ۰۲۲ -۲۰۸۲۰
 زبان ۳، ۸۳۰۱، ۳۳۳۱۵ -۲۳۳۱۵
 علوم طبیعی ۲، ۴۲۸۲، ۲۴۷۶، ۲۴۸۴ /۰
 علوم عملی ۲، ۹۴۵۲، ۳۴۴۸ -۲۷۸۱۹
 هنر ۲، ۳۱۳۹۲۲، ۱۵۳۲ /۱۸۳۶
 ادبیات ۱۱، ۹۶۹۴، ۳۱۲ -۱۸۹۱۴
 تاریخ و جغرافیا ۱، ۱۱۳۱، ۳۱۸۳ -۲۸۰۱۲

۵. زنانه یا مردانه بودن تولید علم در ایران (الگوی کتاب)

بر مبنای داده‌های جدول شماره ۶ در سال ۱۳۷۸ تنها ۴/۲ درصد پدیدآورندگان کتاب در ایران زن بوده‌اند. این سهم با رشد تدریجی و خوبی در سال ۱۳۸۸ به ۲۰ درصد رسیده است. این رشد نشانه رشد آرام تعادل جنسیتی در تولید علم در ایران و مشارکت فعال زنان در این عرصه است. در ارتباط با علوم اجتماعی آمار تفکیکی در دست نیست اما این حوزه نیز از این الگوی رشد مستثنی نبوده است.



جدول شماره ۶. تولید و انتشار براساس جنسیت پدیدآورندگان

سال / جنسیت مرد / درصد زن به کل

سال ۷۷	۱۳۱۰۸	۴/۱۹۴۶۲
سال ۷۸	۱۴۶۲۱	۵/۲۳۷۷۱
سال ۷۹	۱۶۱۸۶	۵/۲۷۰۲۸
سال ۸۰	۲۰۶۳۳	۷/۳۶۴۴۸
سال ۸۱	۲۳۲۳۴	۹/۴۳۴۰۳
سال ۸۲	۲۴۳۹۷	۱۱/۵۰۴۶
سال ۸۳	۲۷۶۴۹	۱۳/۵۸۷۲
سال ۸۴	۲۶۲۲۰	۱۲/۵۳۶۲
سال ۸۵	۲۲۷۲۴	۹/۴۳۴۹۴
سال ۸۶	۳۰۴۷۲	۱۶/۷۲۰۶
سال ۸۷	۳۳۴۴۳	۱۸/۸۵۰۷
سال ۸۸	۳۶۹۸۹	۲۰/۹۴۶۸

۶. تیپولوژی پدیدآورندگان کتب علوم اجتماعی

بنا به اذعان مسئولین خانه کتاب ایران و اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر مبنای شغل پدیدآورندگان آماری تولید نمی‌شود. تفکیک مؤلفان دانشگاهی براساس القابی مانند دکتر که بر روی جلد کتابها درج می‌شود غیر دقیق است. زیرا بسیاری از مؤلفان دانشگاهی از این القاب استفاده نمی‌کنند. بنابراین سنخ‌شناسی پدیدآورندگان کتب علوم اجتماعی از نظر این مؤلفه با

محدودیت مواجهه است. اما با دقت نظر در کتب تولید شده می‌توان دو سنخ کلی و ۹ سنخ فرعی را به ترتیب زیر برای علوم اجتماعی تولیدات ذکر نمود.

الف پدیدآورندگان غیرآکادمیک :

—نویسندگان حرفه‌ای

—روشنفکران

—مترجمان غیر دانشگاهی

—حوزویان

—نویسندگان کمک آموزشی

—نو قلمان

ب پدیدآورندگان آکادمیک :

—پژوهش‌گران

—مدرسان

—دانشجویان تحصیلات تکمیلی

نگارنده در سطح درون دانشگاهی با بررسی اجمالی شرح حال علمی استادان دو دانشکده دانشگاه تهران توانست داده‌های جدول ۷ را فراهم کند. براساس داده‌های این جدول استادان دانشکده علوم اجتماعی از سال ۶۰ تا ۸۷ به صورت سرانه (سرانه ۲۷ سال) ۵/۳ کتاب تولید کرده‌اند. در حالی که استادان دانشکده مهندسی شیمی همین دانشگاه در این مدت تنها ۰/۷ تولید و انتشار کتاب داشته‌اند. به این معنا که استادان علوم اجتماعی بر مبنای الگوی کتاب ۷/۵ برابر در تولید علم فعال‌تر بوده‌اند.

جدول شماره ۷. مقایسه تولید و انتشار علم بین استادان دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده مهندسی شیمی

تعداد اعضای کتاب‌های دانشکده ۶۰-۶۶ ۶۵-۷۰ ۷۱-۷۵ ۷۶-۸۰ ۸۱-۸۵ ۸۶-۸۷ جمع کسرا نه

هیئت علمی انگلیسی علوم اجتماعی ۵۳ ۴۹ ۶۸ ۱۱۴ ۳۳ ۲۸۳۱۸ ۵/۳

مهندسی شیمی ۴۲ ۲۸ ۲۷ ۰

۷. تولید علم بر مبنای توزیع جغرافیایی (مورد کتاب)

آمارهای موجود در این زمینه برای شهرستان‌های مختلف به تفکیک موضوعی در دسترس نیست. اما در سطح آمارهای کلان، فاصله عمیقی بین استان‌های مختلف مشهود است. نگارنده در جدول شماره ۸ سه استان برخوردار را با سه استان محروم در زمینه نشر مقایسه نموده است تا عمق این فاصله روشن شود. لازم به توضیح است که آمار نسبتاً خوب استان‌های قم و خراسان رضوی صرفاً به علت فعال بودن ناشرین مذهبی در شهرهای قم و مشهد است. بنابراین بین تهران و سایر استان‌ها توزیع ناعادلانه‌ای در تولید و نشر کتاب وجود دارد که شایسته توجه است.

جدول شماره ۸. مقایسه تولید علم در شش استان کشور (مورد کتاب ۱۳۷۷-۱۳۸۸)

سال / استان تهران خراسان رضوی قم ایلام خراسان جنوبی خراسان شمالی

سال ۷۷-۱۳۹۰ ۱۳۹۹ ۴۳۹ ۱۳۹۰ ۲۶۲

سال ۷۸-۱۳۹۵ ۱۷۴۵۰ ۳۵۸ ۲۳۳۲

سال ۷۹-۲۰۰۲ ۳۶۵ ۲۰۵۶۳ ۲۲۷۰۷

سال ۸۰-۲۵۳۳۴ ۹۱۲ ۱۶۴۰۰

سال ۸۱-۲۱۳۰۳ ۲۱۳۰۳ ۲۰۴۴ ۲۷۶۸ ۴۱۹

سال ۸۲-۲۸۳۶۱ ۱۹۹۸ ۴۵۶۶ ۱۳۴۵

سال ۸۳-۳۰۳۲۵ ۲۱۷۵ ۶۴۸۰ ۱۴۲۰

سال ۷۹ ۴۷۱۰۳ ۲۵۲۲ ۳۹۳۰۷۸۴

سال ۳۳۷۸۴۱۲ ۲۶۴۰ ۳۸۳۴۶ ۸۵

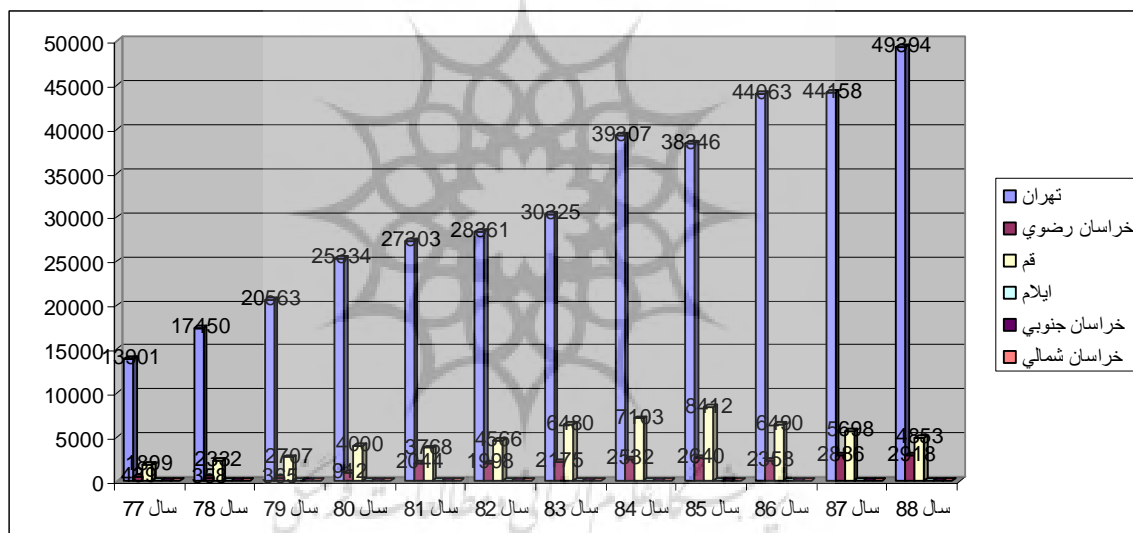
سال ۱۱ ۱۱۱۰۶۴۹۰ ۲۳۵۸ ۴۴۰۶۳۸۶

سال ۷۱۳۱۶ ۵۶۹۸ ۲۸۸۶ ۴۴۱۵۸ ۸۷

سال ۷۲ ۵۴۸۵۳ ۲۹۱۸ ۴۹۳۹۴ ۸۸

بحث و نتیجه گیری

زیست‌بوم، یک سیستم با وابستگی شدید اکوسیستم‌های فرعی و همجوار به یکدیگر است. فرآیند رشد و توسعه علم نیز یک پوشش همه‌جانبه و فراگیر است. این مطالعه براساس الگوی تولید علم در حوزه کتاب، حالت زیست‌بومی علم را بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد ادعاهایی چون رشد حیرت‌انگیز چند رشته فنی و مهندسی در عین عقب‌ماندگی مفرد علوم انسانی و اجتماعی محل تردید است. به‌ویژه در شرایطی که امر سیاست‌گذاری علم و فناوری و مدیریت علم و اقتصاد علم ماهیتاً به حوزه علوم انسانی و اجتماعی مربوط می‌شود، در عین حال که کانون سیاست‌گذاری از علمی پژمرده و مسئله‌دار تغذیه کند ارتقای گلخانه‌ای دو یا سه رشته علمی از پویایی و پایداری لازم برخوردار نیست. مگر این‌که در عقب‌ماندگی علوم انسانی و اجتماعی از همگنان خود تردید کنیم. مطالعات جامعی صورت دهیم و از شاخص‌های متنوعی کمک بگیریم و به ماهیت متفاوت هر شاخه علمی توجه کنیم. در کنار آن کارکردهای بلندمدت و پنهان^{۱۸} علوم اجتماعی را نیز از نظر دور نداریم.



نمودار شماره ۶. مقایسه تولید علم در شش استان کشور) مورد کتاب)

این مطالعه نشان داد تولید علم در قلمرو علوم انسانی براساس الگوی تولید کتاب یک موقعیت ممتاز دارد و حدود ۸۰ درصد کل تولیدات را به خود اختصاص می‌دهد. از نظر نرخ رشد نیز در طول دهه ۷۸ - ۸۸ رشد ۵/۳ برابر را تجربه کرده است. این سهم برای علوم اجتماعی ۹/۱۴ درصد است که سهمی مطلوب است). رتبه سوم در بین ۱۰ شاخه علمی (از طرفی هم‌اکنون ۵/۸۶ درصد تولیدات علوم اجتماعی در حوزه کتاب تألیفی بوده و تنها ۵/۱۳ درصد ترجمه‌ای است.

سیر تحول تولید کتاب در دهه مورد مطالعه بیان‌گر نوعی هماهنگی و هم‌تطوری در رشد کمی علمی در ایران است. برای مثال هر گاه تولید کتاب رشد داشته در همه رشته‌ها این‌چنین بوده است و هرگاه در شاخص‌هایی چون تیراژ و صفحه‌افت داشته‌ایم در عمده شاخه‌ها چنین بوده است. رشد بالای تعداد عناوین کتاب در دهه گذشته به دلیل پر کردن فاصله عمیق عقب‌ماندگی در همه رشته‌ها معنادار می‌شود.

مسئله مهم دیگری که این مطالعه اکتشافی بر ملا کرد اصل تنوع در زیست‌بوم علم است. در زیست‌بوم علم، تنوع در اندیشه‌ها،

روش‌ها، سازمان‌ها و بازیگران و الگوهای تولید علم را باید به رسمیت شناخت. الگوی تولید و انتشار علم در هرگونه (شاخه) متفاوت است. در رشته شیمی این الگو تولید مقاله ISI و در علوم اجتماعی تولید مقاله داخلی و کتاب است. جالب این‌جاست که آمارها در الگوی اختصاصی علوم اجتماعی بسیار امیدوارکننده و برخلاف برخی ادعاهای تبلیغاتی است (سهم ۸۰ درصدی علوم انسانی از کتاب و ۵۰ درصدی از مقالات ISC و ۳۸ درصدی از کل مجلات علمی دارای مجوز از وزارت علوم). این آمارها نشان می‌دهد عقب‌ماندگی علوم انسانی (ایضاً علوم اجتماعی) در ایران در مقایسه با همگان خود یعنی رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی و... با توجه به اصل تنوع الگو به شدت محل تردید است. این الگو در علوم اجتماعی بیشتر به سمت انتشار در داخل کشور و نگاه به مسائل بومی سوق یافته است و در رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه در قالب مقالات بین‌المللی اختراعات بالقوه را به صورت خام منتشر و موجب تبدیل ایده‌های مندرج در مقالات به اختراع توسط کشورهای صنعتی شده است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد در ارزیابی تولید و انتشار علوم اجتماعی و هر شاخه علمی دیگر باید به موقعیت‌های محلی توجه کرد. برای رشته شیمی مقالات ISI و برای علوم اجتماعی انتشار کتاب یک موقعیت محلی تلقی می‌شود که در دسترس قرار گرفته است.

در پایان هنوز هم می‌توان امیدوار بود که علوم اجتماعی در قالب یک گونه کلیدی در زیست‌بوم علم ایران قد علم کند و آشیان^{۱۹} بلند و ویژه خود را تصاحب نماید.

منابع

ادواردز، شرلی و مایکل مک کری (۱۳۷۶)، «سنجش عملکرد پژوهش‌گران»، ترجمه طاهره ژیان احمدی، *فصلنامه رهیافت*، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۷۶.

بری، جان (۱۳۸۲)، *محیط زیست و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
 حری، عباس (۱۳۸۳)، «اکولوژی اطلاعاتی و نظام اجتماعی»، *فصلنامه اطلاع‌شناسی*، تابستان ۱۳۸۳.
 خانه کتاب ایران (۱۳۸۹)، گزارش منوگراف آمار انتشار کتاب از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۸.
 خسرو خاور، فرهاد (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی علم*، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، منوگراف.
 شارع‌پور، محمود و محمد فاضلی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

گلوور، دیوید؛ شیلاف استرابریج و محمد توکل (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی معرفت و علم*، ترجمه شاپور بهیان و همکاران، انتشارات سمت.
 محمدی، احسان (۱۳۸۷)، «مفهوم نقشه‌های ساختار علوم»، *فصلنامه رهیافت*، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
 مولکی، میشل، (۱۳۷۴) «هنجارهای اجتماعی و ایدئولوژی در علم»، ترجمه غلامعلی ابراهیمی، *فصلنامه رهیافت*، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۷۴.

- Bourdieu, Pierre (1999) the Specificity of the Scientific Field and the Social Conditions of the Porgress of Reason, The Science Studies Reader, Routledge.
- Carry, William (1992) The new Politics of Science. University of Chicago press.
- Thomson Scienfitic (2010) web of Science. [on line] At: <http://scientific.thomson.com/products/wos>

غلامرضا ذاکر صالحی، استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است.